

شناسایی اسطوره‌های والدگری در بافت فرهنگی - اجتماعی شهرستان کرمانشاه: یک مطالعه کیفی

محمد سجاد صیدی^۱، علی محمد نظری^۲، جعفر حسینی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف شناسایی و استخراج باورهای اسطوره‌های والدین در بافت فرهنگی - اجتماعی شهرستان کرمانشاه انجام شد.
روش: این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناختی صورت گرفت. به همین منظور، ۱۵ نفر از والدین کرمانشاهی به شیوه نمونه‌گیری هدفمند از نوع موارد بارز، انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق جمع‌آوری گردید.

یافته‌ها: ۵ مضمون اصلی از اسطوره‌های والدگری با ابعاد «خصیصه، اثر، مسؤولیت، ارتباط و اولویت» و ۱۷ مضمون فرعی در نظام شناختی والدین استخراج شد.

نتیجه‌گیری: اسطوره‌های والدگری معیاری برای عملکرد والدین محسوب می‌شوند و از آن‌جا که والدین هیچ‌گاه نمی‌توانند به این ملاک‌ها برسند، یک والدگری پراسترس و ناامید کننده را تجربه خواهند کرد.

کلید واژه‌ها: اسطوره، اسطوره‌های والدگری، ایران

ارجاع: صیدی محمد سجاد، نظری علی محمد، حسینی جعفر. شناسایی اسطوره‌های والدگری در بافت فرهنگی - اجتماعی شهرستان کرمانشاه: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۵؛ ۵ (۲): ۱۸۸-۲۰۱.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۰

Email: sey110@hotmail.com

۱- استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
۲- دانشیار، گروه روان‌پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران
۳- دانشیار، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

نویسنده مسؤول: محمد سجاد صیدی

مقدمه

تولد فرزند رخداد بسیار مهمی برای والدین می‌باشد (۱) و شواهد نشان می‌دهد که امروزه والدگری (Parenting) مملو از نگرانی و اضطراب، تنش و فشارهای روزافزون شده است (۲). والدین به شکل وسواس گونه‌ای به دنبال کسب دانش در حیطه فرزندپروری هستند. بنابراین، به طور مداوم مطالعه، تحقیق، اندازه‌گیری، مقایسه و اقدام می‌کنند. بسیار مشاهده می‌شود که برخی والدین ابتدای روز با دقتی وسواس گونه تکالیف و وظایفی را به ترتیب انجام می‌دهند که از بستن بند کفش فرزندان تا تنظیم میزان چربی اشباع شده غذاها را شامل می‌شود. چنین رفتارهای آسیب‌زایی به این علت انجام می‌شود که والدین عقیده دارند اگر آن‌ها کامل نباشند، فرزندانشان هزینه اشتباهات آن‌ها را خواهند پرداخت و این موضوع استرس و بار زیادی را بر دوش آن‌ها تحمیل می‌نماید.

متخصصان اعتقاد دارند که در چنین شرایطی والدگری رنگ و بوی مسابقه به خود می‌گیرد و این امر توسط فرهنگ فرزندسالار که بچه‌ها را مرکز و محور همه مناسبات درون و برون خانوادگی قرار داده است، قوت و استحکام بیشتری می‌گیرد. در این بافت، ارزش شخصی والدین به شدت با وضعیت فرزندان گره می‌خورد. بسیاری از والدین بر این باور هستند که «بدترین شکست ما آن زمانی است که در تربیت فرزندان خود شکست بخوریم و از طرف دیگر، اگر فرزندانمان خوب از آب در آیند، به اوج خوشبختی دست یافته‌ایم» (۲). چنین اشارات و گفته‌هایی از طرف والدین، نشانه‌هایی از حضور و بروز اسطوره‌های ذهنی درباره والدگری است.

اسطوره در زبان تازی به معنی افسانه و سخنان بی‌اساس، شگفت‌انگیز و پریشانی است که مکتوب شده باشد (۳). همان گونه که مولوی نیز آن را افسانه و سخن بدون تعمق دانسته است. در یونان باستان اسطوره را داستان آن چیزهایی دانسته‌اند که نمی‌تواند واقعیت داشته باشد (۴). بنابراین، می‌توان گفت که اسطوره نوعی باور است که به عنوان یک حقیقت انکارناپذیر و نه بر اساس حقایق موجود پذیرفته می‌شود (۵). در قرآن مجید نیز از اساطیر اولین سخن به میان آمده است و منظور از آن، افسانه‌ها و نوشته‌های

پیشینیان است. قرآن در تمام این آیات، نخست در پی اثبات حقایقی می‌باشد که اسطوره نیست. علت این که افرادی چنین نسبتی به آن داده‌اند، کفر و تأثیر اعمال زشت خودشان است. اسطوره‌ها آموخته شده و اکتسابی هستند و سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند (۶، ۷).

در بعد کارکردی نیز اسطوره‌شناسانی همچون Bastide معتقد هستند که هرگونه اسطوره، داستانی نمونه و سرمشق است. اسطوره حتی وقتی که بیانگر ماوراءالطبیعه است، تأملی نظری نیست و شعر هم محسوب نمی‌شود، بلکه گویای حوادثی می‌باشد که به عنوان سابقه و پیشینه و نمونه و سرمشق و الگویی جبری برای همه اعمال آدمی اعم از دنیوی و دینی و برای همه موقعیت‌های لاحق (چه طبیعی و چه تاریخی) مورد استفاده و استناد قرار می‌گیرد. در حقیقت، اسطوره دربردارنده قواعد و رهنمودهای عملی در جهت زیست آدمیان است (۸).

از ویژگی‌های دیگر اسطوره این است که بعد کامل و تمام هر چیز را نشانه می‌گیرد. Coupe در این باره بیان می‌کند: «اسطوره انسان را به کمال و تمامیت‌خواهی فاسد می‌کند که هم موجب سعادت و هم باعث نکبت است؛ چرا که سبب می‌شود که ما به فصل کامل و به محصول کامل و بنابراین، اگر بخواهیم به کمال اسطوره بیندیشیم. تصور کمال می‌تواند از این هم خطرناک‌تر باشد و به پدیده‌هایی بینجامد که در عصر خود شاهد آن بودیم، مانند دشمن کاملی که باید به دست نژاد برتر محو و نابود می‌شد (چنانکه در بیان آدولف هیتلر آشکار بود) و یا ساختن کلاهی‌های هسته‌ای کامل. پس تمایل به کمال و اتحاد، تنها داستان‌های خلاق و خیال‌انگیز را به وجود نمی‌آورد، بلکه می‌تواند به خشونت سازمان یافته هم بینجامد» (۹).

بخشی از باورهای اسطوره‌ای که واجد ویژگی‌های نفوذ و فراگیری و تمامیت‌خواهی هستند و به صورت ناخودآگاه در ذهن افراد شکل می‌گیرند، والدگری را موضوع خود قرار داده‌اند (۱۰-۲). اسطوره‌های والدگری، ایده‌آل‌های ذهنی، افراطی و فراگیری با موضوع فرزندپروری و فرزند کامل هستند که سهم عمده‌ای در شکل‌دهی به سبک فرزندپروری

این روش استفاده شد، به اهداف پژوهش برمی‌گردد. در واقع، محقق از تحقیق کیفی به منظور بررسی مسأله یا موضوعی که نیازمند اکتشاف است، استفاده می‌کند (۱۴). یکی از روش‌شناسی‌های غالب در رویکرد کیفی تحقیق، پدیدارشناسی است. دانش علمی از منظر پدیدارشناسی، به دنبال شناسایی و توصیف روشی است که افراد به لحاظ ذهنی در آگاهی خود، معانی خاصی را به اشیا الصاق می‌کنند (۱۵، ۱۴). چنانکه هدف از انجام پژوهش حاضر، دستیابی به معناها و تصاویر ذهنی شرکت‌کنندگان (والدین) از تجربه والدگری بود.

جامعه آماری پژوهش را کلیه والدین ساکن شهر کرمانشاه در بازه زمانی سال‌های ۹۴-۱۳۹۳ که ملاک‌های ورود به مطالعه را داشتند، تشکیل داد. معیارهای ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش تمایل به حضور در پژوهش، داشتن توانایی برقراری ارتباط، والد بودن و گذشتن از حداقل دو سال از این رخداد، سکونت بیش از ۱۵ سال در شهرستان کرمانشاه و فقدان آسیب روانی اجتماعی مانند اعتیاد، طلاق و یا خیانت در هر دو والد و ملاک‌های خروج نیز عبارت از وجود مشکلات حافظه و اختلالات روانی بود. بنابراین، نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری هدفمند به شیوه انتخاب موارد بارز (Typical case sampling) برگزیده شدند. در این روش، پژوهشگر یک فرد، گروه یا مجموعه را مورد بررسی قرار می‌دهد که نمونه یا معدل موضوع مورد بررسی است (۱۶، ۱۷). بنابراین، مصاحبه بیشتر با والدینی صورت گرفت که از نظر اطرافیان، والدی (پدر/ مادر) خوب و مسؤولیت‌پذیر ارزیابی شدند.

در پژوهش حاضر برای دستیابی به مضامین و مقوله‌ها، از مصاحبه عمیق و از نوع تک به تک با شرکت‌کنندگان استفاده شد؛ چرا که پژوهشگر نیازمند انعطاف و کاوش هرچه بیشتر در مضامین عملی و ذهنی افراد در رابطه با تجارب والدگری‌ها بود (۱۸-۱۴). پیش از شروع مصاحبه نیز از همه شرکت‌کنندگان جهت ضبط مصاحبه‌ها اجازه گرفته شد و همچنین، در مورد محرمانه ماندن اطلاعات و عدم پخش و به اشتراک‌گذاری صدای آن‌ها اطمینان داده شد.

برای برقراری ارتباط صمیمی و جلب اعتماد مراجعان، مدت زمانی پیش و پس از هر مصاحبه به گفتگوی عمومی و

و نحوه برخورد والدین با فرزندان ایفا می‌کنند (۲). آن‌ها بیشتر حول مفهوم والد خوب و آرمانی و الگوهای برتر تربیت فرزند می‌گردند. باورهای اسطوره‌ای به طور عمده به عنوان یک حقیقت انکارناپذیر و نه بر اساس حقایق موجود پذیرفته می‌شوند و انتظاراتی افراطی در والدین ایجاد می‌کنند که این انتظارات به شکل‌گیری خاصی از رفتار منجر خواهد شد. خانواده‌های اصلی، رسانه‌ها و فرهنگ عمومی از مهم‌ترین منابع ایجادکننده اسطوره‌های والدگری هستند (۱۰، ۵، ۲).

آشکار است که والدین متوجه اسطوره‌های ذهنی خود نیستند و در بسیاری از مواقع عوامل بیرونی را علت شکست در فرزندپروری خود می‌دانند؛ در صورتی که اگر اسطوره‌های والدگری باقی بمانند، به طور قطع سلامت خانواده و فرزندان را به خطر می‌اندازند. اولین گام برای مقابله و تعدیل اثر مخرب اسطوره‌های منفی، کاوش و شناخت آن‌ها است. بررسی اسطوره‌های ذهنی والدین درباره فرزندپروری و اثری که این اسطوره‌ها می‌توانند بر فرزندان و کیفیت زندگی خانواده داشته باشند، در ادبیات پژوهشی کشور ما مغفول مانده و تاکنون در هیچ مطالعه نظام‌مندی به آن پرداخته نشده است. در ادبیات خارج از کشور نیز برخی همچون Schafer (۲) و Pantley (۱۰) در تحقیقات خود به برخی از اسطوره‌های ذهنی والدین که برگرفته از تجارب مشاوره‌ای با والدین و نه بر اساس یک مطالعه نظام‌مند، اشاره کرده و برخی مطالعات (۱۳-۱۱) نیز به موضوع باورهای نامعقول کلی والدین و یا باورهای آن‌ها در مورد مشکلات فرزندان با نیازهای خاص پرداخته‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد توجه به این حوزه مهم و به شدت حساس به فرهنگ، می‌تواند مسیری به سمت حل برخی مشکلات خانواده‌ها و والدین در عصر حاضر بگشاید. با توجه به مباحث مطرح شده، پژوهش حاضر در پی کشف و شناسایی اسطوره‌های والدگری والدین مبتنی بر بافت فرهنگی - اجتماعی شهرستان کرمانشاه بود.

روش

در این پژوهش برای اکتشاف و شناسایی اسطوره‌های والدگری والدین، از روش کیفی استفاده شد. این که چرا از

و مضامین استخراج شده توسط محقق خارجی از تیم پژوهش (دکتری مشاوره) که به روش تحقیق کیفی آشنا بود، بررسی گردید و مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها

پس از تحلیل و کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، ۵ مضمون اصلی و ۱۷ مضمون فرعی استخراج شد که شرح آن در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مضامین استخراج شده از داده‌های کیفی

مضمون اصلی	مضمون فرعی
خصیصه	خطاناپذیری خستگی‌ناپذیری نفی عصبانیت انفصال کار از خانه توافق همیشگی (در تربیت فرزند) از خود گذشتگی آسیب‌زا آرامش‌بخشی افراطی رها کردن ازدواج پیش از ازدواج دوران بارداری پس از تولد (این همانی فرزند-والد)
اولویت	حل مشکل افراطی درگیری تحصیلی افراطی مراقبت و نظارت افراطی بی‌مرزی دوستی با فرزند تربیت با محبت صرف نفی تنبیه
اثر	
مسئولیت	
ارتباط	

خصیصه: والدین همواره تصویری از یک والد اسطوره‌ای در ذهن دارند که واجد ویژگی‌ها و صفات منحصر به فرد است. اغلب والدین ویژگی‌هایی همچون خطاناپذیری، خستگی‌ناپذیری، آرامش همیشگی و عصبانی نشدن (نفی عصبانیت)، انفصال کار-خانه و توافق همیشگی والدین (در تربیت فرزند) را برای یک والد آرمانی متصور می‌شوند. آنان بر این باور هستند که دوری از هر خطا و اشتباهی، ویژگی جدایی‌ناپذیر یک والد خوب است؛ چرا که اگر از والد خطایی سر بزند، فرزندان نیز به لحاظ این که از یک الگوی کامل و

روزمره اختصاص داده شد. مصاحبه‌های اولیه حول پرسش‌هایی باز و کلی از تجربه‌های والدگرانه مثبت شرکت‌کنندگان و ویژگی‌های یک والد و والدگری خوب و قابل پذیرش اجتماع انجام شد. محقق در طول مصاحبه سعی می‌کرد با انعکاس محتوای گفته‌ها، ردگیری و نیز استفاده از سؤالات کاوش‌گرایانه، مصاحبه‌شونده را به تعمق بیشتر ترغیب کند و معناهای نهفته در کلام مراجع را درک نماید و به طور مکرر از پرسش‌هایی مانند «در این مورد بیشتر توضیح دهید، می‌توانید منظورتان را شفاف‌تر بیان کنید و منظورتان از این مفهوم چه بود؟» استفاده گردید. مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۸۵ دقیقه به طول انجامید. پیش از تجزیه و تحلیل داده‌ها باید آن‌ها را مستندسازی و ویرایش نمود (۱۷). بنابراین، پس از هر مصاحبه، مستندسازی (تبدیل گفته‌ها به متن) صورت گرفت و صداهای ضبط شده در نهایت دقت روی کاغذ پیاده‌سازی گردید. پس از مستندسازی، کدگذاری و پرانتزگذاری انجام شد. همچنین، برای تحلیل داده‌ها از رویکرد هفت مرحله‌ای Colaizzi استفاده شد (۱۹).

تضمین قابلیت اعتبار با در میان گذاشتن یافته‌ها با مشارکت کنندگان و بازبینی از طریق آن‌ها صورت گرفت. برای تضمین قابلیت تعمیم نیز تلاش شد که در انتخاب نمونه‌ها تنوع لازم در نظر گرفته شود و از گروه‌های مختلف و از پایگاه‌های گوناگون اجتماعی-اقتصادی استفاده گردد. برای قابلیت اعتماد، اعضای تیم تحقیق در درستی دریافت به میزان زیادی اتفاق نظر داشتند و فرایند کار به صورت تیمی و با مشورت صاحب‌نظران صورت گرفت.

از نظر قابلیت تصدیق فرایند پژوهش، سعی شد تا محقق پیش‌فرض‌های پیشین خود را تا حد امکان در فرایند جمع‌آوری اطلاعات دخالت ندهد. علاوه بر عدم سوگیری، در این شاخص داده‌ها باید قابل ردیابی در منابع اولیه و مفاهیم ایجاد شده توسط پژوهشگر نیز به راحتی قابل ردیابی در داده‌ها باشد. بر این اساس، سعی گردید همه داده‌ها به طور شخصی توسط پژوهشگر بر روی کاغذ ردیابی شوند و همه مفاهیم و موضوعات برداشت شده توسط پژوهشگر به بخش‌های مشخص از این داده‌ها مرتبط گردد. همچنین، کدها

تربیت فرزند به توافق رسیده باشند».

اثر: این بعد به باورهایی اشاره دارد که متغیرهای اثرگذار بر تربیت فرزند را به طور غیر واقع‌بینانه‌ای در نقاطی غیر قابل دسترس قرار می‌دهد. برخی والدین شرکت کننده در پژوهش حاضر بر این باور بودند که والدگری پیش از تولد فرزند آغاز می‌شود و یک والد خوب باید والدگری را حتی پیش از ازدواج آغاز کرده باشد و در غیر این صورت با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. چنانکه مادری ۴۸ ساله اظهار نمود: «وظیفه پدر و مادر این است که از سن نوجوانی خودشان را برای این موضوع آماده کنند. خودم حقیقتاً در دوران مجردی خیلی رعایت می‌کردم. الآن اگر دقت کنی، پسر (بزرگ‌تره) بیشتر از بچه دومم دینداره. من واقعاً در زمان مجردی‌ام خیلی مقید بودم تا بعد از ازدواج... ازدواج که کردم به خاطر مراحل حاملگی و این چیزها کمتر توجه کردم». مادر ۳۴ ساله دیگری بیان کرد: «هر طوری که می‌خواهی بچه‌ات باشد، خودت باید از خیلی قبل‌تر آن طوری باشی».

عده‌ای از والدین در همین راستا تأکیدی خلاف واقع بر دوران بارداری داشتند؛ به گونه‌ای که نقش محیط در حال و آینده فرزندان بسیار کاهش می‌یابد. «هن مطمئنم هر مشکلی که در بچه وجود دارد، در یک برهه وقتی که بچه می‌خواهد به دنیا بیاید از دوران بارداری و یا قبل آن... بالاخره یک اشکالی وجود داشته که همچنین مشکلی پیش آمده است» (مادر، ۳۲ ساله). مشارکت کننده‌ای گفت: «مثلاً یکی از دلایلی که من احساس می‌کنم پسر کم‌تنبلی است، تنبلی خودم در دوران بارداری است. ناراحتی‌هایی که در آن دوران داشتم، الآن روی پسر اثر گذاشته است. شاید در دخترم کمی، ۲۰ درصد بهتر بودم در دوران بارداری... روحیه بهتری داشتم. اذیت شدم، ولی بهتر بودم. توان مقاومت بیشتری داشتم و الآن دخترم خیلی فعال‌تر و بهتره...» (مادر، ۴۸ ساله).

بسیاری از والدین ارزش خود را به عنوان پدر و مادر در گرو رفتار فرزندان می‌بینند. در واقع، والدین فرزندان خود را به عنوان نسخه دیگری از خود می‌بینند و در تلاش هستند تا این نسخه هرچه بیشتر مورد تأیید و تحسین دیگران قرار گیرد. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که مشکلات فردی آن‌ها

بی‌نقص بی‌بهره می‌شوند و نیز این که خطاها و اشتباهات در آن‌ها نهادینه می‌شود، نمی‌توانند مسیر درست را بپیمایند. «پدر و مادر باید یک الگوی خوب برای فرزندشون باشن؛ یعنی در همه مسیرهای زندگی خودشون اشتباه نکنند و این را به فرزندشان یاد بدهد. پدری که خودش خطا و تزلزل دارد و بچه هم متوجه این می‌شود و بچه فکر می‌کند که زندگی همین است و چیزی به غیر این نیست» (مادر، ۵۲ ساله).

اعتقاد شرکت کنندگان پژوهش بر این بود که پدر و مادر نباید خستگی و کسالت در خود راه دهند و باید مدام جلوی فرزندان بانشاط و سرزنده باشند. مادری ۴۸ ساله ذکر کرد: «روزهایی که من کسالت دارم، احساس می‌کنم بچه‌هام خیلی در کارهایشان جدی نیستند. مثلاً بعضی وقت‌ها که مریضم، پا می‌شوم و به خودم نهیب می‌زنم و می‌گم پاشو این‌ها دارن به تو نگاه می‌کنند».

علاوه بر دو مضمون پیشین، عصبانی نشدن نیز از جمله مضامینی بود که والدین به طور مکرر به آن اشاره داشتند. با وجود این که عصبانیت هم از جمله هیجان‌های طبیعی هر انسانی است، اما برخی والدین شرکت کننده معتقد بودند که عصبانیت و ابراز آن اثر سوئی بر فرزندان دارد. به عنوان مثال، مادری ۴۴ ساله گفت: «پدرم بهترین پدر دنیا است؛ چون هنوز عصبانیت او را ندیدم» و یا شرکت کننده دیگری که پدری ۳۹ ساله بود، عنوان کرد: «حتی وقتی که بچه کار بدی انجام می‌دهد، نباید جلوی او عصبانی شد و به او نشان داد».

توافق و داشتن الگوهای تربیتی یکسان از طرف پدر و مادر نیز یکی دیگر از باورهایی بود که والدین به آن توجه داشتند. عقیده مشارکت کنندگان بر این بود که والدین باید الگوی تربیتی مشابهی را برای تربیت فرزندان به کار گیرند و عدم توافق به معنای اشکال در والدگری و عدم کارایی والدین خواهد بود. پدری ۳۳ ساله به این نکته چنین اشاره کرد: «پدر و مادر باید در تربیت فرزند کاملاً هماهنگ و هم‌عقیده باشند و اگر نباشند، خانواده به هم می‌ریزد و بچه‌ها در چنین خانواده‌هایی از خانواده فراری می‌شوند و به دامن جامعه پناه می‌برند و دیگر پدر و مادر نمی‌توانند بر بچه تأثیری بگذارند. پدر و مادر باید قبل از بچه‌دار شدن بر سر شیوه‌ها و الگوهای

به نظر می‌رسد که این باور اسطوره‌ای از آن‌جا نشأت گرفته است که والدین خود را مقصر و مسبب مشکلات پیش آمده برای فرزندان می‌دانند. مادری ۴۸ ساله در این باره بیان کرد: «گر برای بچه‌ام مشکلی پیش بیاید و یا رفتار بدی از او سر بزند، معنی‌اش این است که حتماً یک اشکالی در کارم وجود داشته است. در چنین موقعیت‌هایی احساس تقصیر می‌کنم و عذاب وجدان شدیدی دارم. فکر می‌کنم که من مقصرم که چرا نتوانستم این‌ها را برطرف کنم».

مضمون دیگری که شرکت‌کنندگان به آن اشاره داشتند، لزوم درگیری والدین در مسایل ریز و درشت تحصیلی فرزندان است. این که والدین در جریان تمام جزئیات وضعیت تحصیلی فرزندان باشند، در انجام تکالیف به آن‌ها کمک کنند و سعی داشته باشند بهترین آموزش‌ها را برای فرزندانشان فراهم کنند، از جمله وظایف والدین محسوب می‌شود. در این زمینه مشارکت‌کننده‌ای اظهار داشت: «او مادر بسیار خوبی است؛ چرا که خیلی پیگیر درس و مدرسه بچه‌ها است و در درس‌هاشون همیشه به بچه‌هاش کمک می‌کنه» (مادر، ۴۴ ساله). دلیل این امر آن است که ارزش شخصی والدین به وضعیت تحصیلی فرزندان آن‌ها گره خورده است.

مراقبت و کنترل فرزندان، از جمله مهم‌ترین مسؤولیت‌های والدین به شمار می‌رود، اما در دوره زمانی اخیر این مسؤولیت پیچیدگی و گستردگی بیشتری به خود گرفته است. به عنوان مثال، والدین شرکت‌کننده مراقبت و حساسیت زیادی در زمینه تغذیه فرزندان از خود نشان می‌دادند و یا این که شیوه‌های کنترلی خاص و نامتعارفی مانند تعقیب و گریز را برای کنترل فرزندان به کار می‌گرفتند. «در وهله اول آشپزی کردن و از لحاظ خورد و خوراک باید کاملاً به بچه بررسی و هر آنچه که نیاز داره را برایش آماده کنی. یه مادر باید بدونن الان بدن بچه به چی نیاز داره... این چیزا خیلی مهمه» (مادر، ۳۰ ساله).

«پدر و مادر باید بچه را کنترل کنند. متأسفانه برخی والدین بچه را همین‌طور آزاد می‌گذارند. راحت می‌آید، راحت می‌رود و به راحتی از دوستش هر چیزی را قبول می‌کند. راحت خیلی چیزها را پنهان می‌کند. مثلاً باید گاهی تو

به طور عینی به بچه‌ها منتقل می‌شود. مادری ۴۳ ساله بیان کرد: «مثلاً من احساس می‌کنم که اگر بچه‌ام اعتماد به نفس ندارند، من مقصر هستم؛ چون من اعتماد به نفس ندارم آن‌ها هم ندارند. سر منشأش از خودمه، ولی آن‌هایی (والدینی) که خودشان اعتماد به نفس دارند، بچه‌هایشان هم دارند. من هم تلاش می‌کنم، اما نمی‌تونم... حتی گاهی اوقات بچه‌ام هم اعتراض می‌کند که تو چرا نمی‌توانی تو جمع راحت باشی».

«واقعاً لحظه‌ای جا خوردم. گفتم سر کلاس چه کاری کرده... بعد گفتم که این طبیعی و همه بچه‌ها شوخی‌هایی سر کلاس دارند. این‌ها خیلی مهم نیست سر کلاس. آن موقع بود که خاطر جمع شدم که کار خیلی بدی انجام نداده است. اگر به فرض شیطنت او جدی می‌بود، واقعاً ناراحت می‌شدم... ناراحت نشوم؟! او حق ندارد چنین کاری بکند. خب بچه منه... او نتیجه منه» (مادر، ۴۸ ساله).

مسؤولیت: شرکت‌کنندگان پژوهش باورهای خاصی در مورد مسؤولیت‌هایی که والدین آرمانی باید به آن‌ها متعهد باشند، ذکر کردند که بخشی از این باورها افراطی و اسطوره‌ای است. انجام این مسؤولیت‌ها به شکل تمام و کمال، محمل تنش‌های بسیاری برای والدین است و از آن‌جا که از توان آن‌ها خارج است، احساس ناکارآمدی و شکست را در آن‌ها ایجاد می‌نماید و گاه نیز رشد مسؤولیت‌پذیری فرزندان را دچار مشکل می‌کند. این مسؤولیت‌ها شامل «حل مشکل افراطی، درگیری تحصیلی افراطی، مراقبت و نظارت افراطی» می‌باشد.

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که بسیاری از شرکت‌کنندگان، پدر و مادر را حلال مشکلات فرزندان می‌دانند. از نظر آن‌ها فرزندان به تنهایی توان حل مشکلاتشان را ندارند و وظیفه قطعی والدین، حل مشکلات آن‌ها است. مادری ۴۶ ساله اظهار داشت: «پدر و مادر باید سعی کنند مسایل پیش‌آمده را حل کنند؛ یعنی اگر مسأله‌ای برای فرزند پیش می‌آید، بتوانند راه‌حلی برای آن مشکل پیدا کنند. وظیفه اصلی پدر و مادر این است که تمام موقعیت فرزند را بسنجند و خودشان را بین بچه و مشکلات قرار دهند».

زندگی خواهند بود. در ابتدای تولد کودک به دلیل شکننده بودن وضعیت او، والدین تمام توان و انرژی خود را صرف رسیدگی به فرزندان می‌کنند و رسیدگی به نیازهای مشترک و همسر در وهله بعد قرار می‌گیرد، اما با بزرگ‌تر شدن بچه و کسب توانایی برای اداره خود، این عادت همچنان ادامه می‌یابد و همسر و ازدواج همچنان در اولویت‌های بعدی خواهند بود. مادر ۳۲ ساله‌ای در این زمینه بیان کرد: «باید از زندگی خودت بگذری و به بچه‌ات برسی، حتی اگر با همسرت هم انس گرفته باشی، به نظر من باید بیشتر به بچه برسی و به او توجه کنی».

ارتباط: ارتباط والدین با فرزندان همواره از مهم‌ترین مفاهیم مورد توجه متخصصان و والدین بوده است. بسیاری بر این عقیده هستند که هرگونه انحراف در این رابطه، باعث بروز مشکلاتی برای فرزندان خواهد شد. اغلب والدین بر سه مضمون «بی‌مرزی - دوستی (با فرزند)، کفایت محبت و نفی تنبیه» اشاره کردند.

تشکیل یک رابطه دوستانه، باوری است که تا حدودی همه شرکت‌کنندگان به آن اذعان داشتند. آن‌ها در واقع رابطه دوستانه را بستری برای نزدیکی بیشتر با فرزند و اطلاع از جزئیات ریز زندگی فرزندشان می‌دانستند، اما هر رابطه دوستی الزاماتی دارد که این الزامات هویت رابطه والدین با فرزندان را دگرگون کرده است. از جمله الزاماتی که والدین به آن اشاره نمودند، نفی هرگونه مرز و حدی بین آن‌ها و فرزندانشان می‌باشد.

«باید با بچه رفیق باشی و تو ذوقش نرنی؛ چون که آن وقت فرزند همیشه می‌تواند هر حرفی داشته باشد با پدرش در میان بگذارد و چون آدم‌ها بیشتر با رفیق‌ها حرف‌شونو در میان می‌گذارند، پدر و مادر هم باید برای فرزندش یک رفیق صمیمی باشند؛ یعنی اگر بچه‌ات روزی مشکلی داشته باشی، خودت در جریان مسایل فرزندت باشی تا به دوستاش پناه نبره» (پدر ۳۹ ساله).

«سعی می‌کنم بچه‌ام اگر ناراحتی داره یا درد دلی داره، بیاد به من بگه... خیلی راحتیم با هم، مرزی بینمان نیست که نتواند به من حرف بزند مثل هم‌بازی هستیم با بچه» (مادر، ۴۶ ساله).

وسيله‌هاش بگرده، بينه چیزی پیدا می‌کنه. خود من خیلی وقت‌ها قایم شدم و دخترم با دوستانش راه افتاده و بعد دنبال او راه افتادم که ببینم تو خیابان چه کار می‌کنه. آیا هر جایی و با هر دوستی می‌گرده یا رفتار سبکی داره؟» (مادر، ۴۸ ساله).

اولویت: مضمون اصلی دیگری که از داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها استخراج شد، در اولویت بودن فرزند بود و ویژگی اصلی آن، محوریت عمده و تام فرزند در کنار دیگر متغیرهای شخصی و خانوادگی است. این مضمون اصلی شامل زیرمقوله‌های «از خودگذشتگی آسیب‌زا، آرامش‌بخشی افراطی و رها کردن ازدواج» می‌باشد.

از دید برخی شرکت‌کنندگان، والدین باید مدام به فکر فرزندانشان باشند و خود را فدایی آن‌ها کنند و پرداختن به نیازها و خواسته‌های شخصی اگر حداقل منافاتی با آسایش فرزندان داشته باشد، گناهی بسیار بزرگ به حساب می‌آید. مادر ۵۲ ساله‌ای در این باره می‌گوید: «یک پدر و مادر موفق باید از خیلی چیزهایشان بگذرند تا بتوانند بچه تربیت کنند. مسایل زندگی‌اش، مسایل عاطفی‌اش، مسایل اقتصادی‌اش، استراحتش، جسمش، روحش و این چیزهایش باید بگذرد. والدین خوب والدینی هستند که از تمام وجود و هستی خود برای بچه‌شان سرمایه بگذارند و این که آدم خودش را فدایی کند، بگوید به خاطر بچه‌ام کمبودها را تحمل می‌کنم که بچه‌ام آینده موفق‌تری از شاله داشته باشد». این باور تا جایی پیش می‌رود که والدین هرگونه خوشی و لذت بردن را بر خود حرام می‌دانند و هر کاری می‌کنند تا آرامش فرزندشان خدشه‌دار نشود. «خب سختی‌هایی به خودم داده‌ام و سعی کرده‌ام اون چیزهایی که نیاز داشته‌ام برای خودم فراهم نکنم و سعی کرده‌ام آنچه که هست برای بچه‌ام بگذارم. اگر می‌گن بهشت زیر پای مادران است، باید همه چیز را تحمل کنه به خاطر آرامش بچه و نه این که بچه را زیر پا بگذاری به خاطر خوشی‌های خودت...» (مادر، ۴۴ ساله).

به نظر می‌رسد که این گذشت حدی ندارد و تا فدا کردن ازدواج پیش می‌رود. برخی والدین به این نکته اشاره داشتند که پس از تولد فرزند، خانواده اصلی، همسر و ازدواج در حاشیه قرار گرفته است و این فرزندان هستند که در متن

مسئولیت، اولویت و ارتباط» استخراج شد. این مضامین ابعاد اسطوره‌های ذهنی افراد درباره والد و والدگری آرمانی را آشکار می‌سازند. بعد خصیصه به اسطوره‌های ذهنی والدین درباره ویژگی‌های شخصی یک والد آرمانی و موفق؛ بعد اثر به باورهای والدین درباره اثرات غیر واقعی و افراطی متغیرهای دور از دسترس بر والدگری افراد؛ بعد مسئولیت به باورهای والدین از مسئولیت‌های خاص و متعددی که یک والد اسطوره‌ای باید به آن‌ها متعهد باشد؛ بعد اولویت به باورهایی که فرزند را نسبت به خود والدین، همسر و دیگران در اولویت قرار می‌دهد و بعد ارتباط به ویژگی‌های یک ارتباط ناصحیح اسطوره‌ای اشاره می‌کند. در ادامه، به تبیین اسطوره‌ای بودن هر یک از مضامین مطرح شده پرداخته می‌شود.

بعد خصیصه به چندین مضمون فرعی از جمله «خطاناپذیری، خستگی‌ناپذیری، نفی عصبانیت، توافق همیشگی و انفصال کار- خانه» اشاره نمود. در تبیین اسطوره‌ای بودن این باورها می‌توان به چندین نکته اشاره کرد. تولد یک فرزند رخداد بسیار مهمی برای والدین است و زندگی آن‌ها را با چالش مواجه خواهد کرد (۲۰-۱). فشارهای ناشی از نقش‌های والدگری، بار مضاعفی بر دوش والدین می‌گذارد که استرس، خستگی و کسالت نتیجه شرایط جدید خواهد بود (۲۱). بنابراین، چنین انتظاری که والد خوب نباید خستگی و کسالت به خود راه دهد، افراطی و خلاف واقع است؛ چرا که والدین هم به سبب انسان بودنشان می‌توانند خسته شوند و نیز اشتباهات و خطاهای خاص خود را داشته باشند. این که انتظار داشته باشیم به عنوان یک والد خطا و اشتباهی نکنیم، یک باور کمال‌گرایانه و اسطوره‌ای است و چیزی جز مخدوش شدن اعتماد به نفس و احساس کارامدی و لذت نبردن از این نقش را در پی نخواهد داشت. در جریان یک بررسی در مؤسسه سلامت روان آمریکا، پژوهشگران روی ۵۰ پدر و مادری تحقیق کردند که با موفقیت توانسته بودند فرزندانشان را به دوران بلوغ برسانند. از آنان سؤال شد که چگونه این کار را کرده‌اند و چه توصیه‌هایی دارند؟ از مهم‌ترین توصیه‌های آن‌ها این بود که «انتظار نداشته باشید که پدر و مادر ۱۰۰ درصد کاملی باشید» (۲۲). در واقع،

در همین راستا، برخی والدین رابطه سلسله مراتبی را نفی می‌کردند و معتقد بودند که باید با فرزند رابطه‌ای هم‌سطح و دوستانه برقرار کرد. آن‌ها نتیجه رابطه سلسله مراتبی را کتمان برخی مسایل از طرف فرزندان می‌دانستند. پدر ۴۲ ساله‌ای در این باره چنین بیان می‌کند: «ویژگی پدر یا مادر خوب اینه که با بچه‌هاش دوستانه رفتار کند و واقعاً دوست باشه و به عنوان پدر و پسر (رابطه سلسله مراتبی) رفتار نکنه». شرکت کننده دیگری عنوان نمود: «گر والدین به فرزندشان امر و نهی کنند و یا بگویند این کار را بکن و یا نکن، خب این می‌شود همان مسأله پدر و فرزندی... این کار را بدتر سخت می‌کند» (پدر، ۴۰ ساله).

مضمون دیگری که به آن اشاره شد، عدم تنبیه و فراتر نرفتن از صحبت و گفتگو برای تربیت فرزندان است. برخی والدین بر این عقیده بودند که به خصوص تنبیه بدنی به هیچ وجه نباید صورت بگیرد و والدین فقط باید با گفتگو و صحبت در تربیت فرزندان اهتمام کنند. «که رفتار بدی از او ببینم، اول با او صحبت می‌کنم و اگه جواب نداد، اون موقع باید بازم با صبر و حوصله با فرزندم صحبت کنم و به فرزندم می‌فهمونم که مشکلتش چیه. پدر و مادر خوب هیچ وقت بچه‌شون را کتک نمی‌زنند» (پدر، ۳۳ ساله).

محبت به فرزند، ویژگی بلافصل والدین به حساب می‌آید و سرچشمه جوشانی است که فرزندان از آن سیراب می‌شوند، اما یکی از الگوهای فکری که از مصاحبه‌ها به دست آمد، این بود که محبت از هر شیوه تربیتی مهم‌تر است و اگر به فرزند محبت کافی داشته باشی، نیازی به شیوه‌های دیگر تربیت نخواهی داشت. مادر ۳۲ ساله‌ای اعتقاد داشت: «جایی که با اطرافیان مقایسه می‌کنم، به نظر من هرچی به بچه محبت کنی، بچه‌ات همانی می‌شود که دوست داری بشود. مطمئناً اگه مادری مهربان باشد و بچه‌اش را دوست داشته باشد، او حرف مادرش را گوش خواهد داد».

بحث

پس از کدگذاری و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با شرکت کنندگان، ۵ مضمون اصلی با ابعاد «خصیصه، اثر،

متغیرهای محیطی را در زندگی فرزندان بسیار کم‌اهمیت جلوه می‌دهد و نقطه مؤثر در فرزندپروری را در سال‌ها قبل (حتی پیش از ازدواج) و جایی قرار می‌دهد که امکان دسترسی و تغییر در آن وجود ندارد. همچنین، هیچ مطالعه علمی مبنی بر اثرگذاری رفتارها و رخداد‌های گذشته والدین بر فرزندان وجود ندارد. والدین مسؤول و فعال، هیچ‌گاه نقش مؤثر محیط را نادیده نمی‌گیرند و تمرکز و توان خود را در نقطه‌ای هزینه می‌کنند که امکان تغییر در آن وجود دارد.

با وجود این که مطالعات متعددی از تأثیر استرس‌های شدید در دوره بارداری بر سقط جنین پرده برداشته‌اند (۲۶، ۲۷)، اما هیچ شواهدی مبنی بر اثرگذاری هیجان‌نا و حالت‌های دیگر و حتی استرس‌های خفیف بر کودک و شخصیت وی در دست نیست و نمی‌توان تأیید کرد که هیجان‌ها و حالات و منش خاص مادر در دوران بارداری، منجر به بروز حالت‌ها و منش‌های خاصی در نوزاد خواهد شد. داشتن چنین باوری نه تنها استرس زیادی بر مادر (به عنوان تعیین کننده اصلی شخصیت و منش کودک) وارد می‌کند، بلکه احساس ناکارآمدی و شکست را با والدین همراه خواهد کرد؛ چرا که بارداری دوره‌ای طولانی و پرچالش است و مادر در این دوره موقعیت‌ها و هیجان‌های متنوعی را تجربه خواهد کرد.

در تبیین اسطوره‌ای بودن اثرات پس از تولد- این همانی، نکته مهم آن است که وقتی والدین به این اسطوره باور داشته باشند، در واقع با فرزندان به عنوان یک دارایی که تأثیر زیادی بر ارزش آن‌ها (در جامعه) دارد، رفتار می‌کنند. والدین با چنین باورهایی رفتار فرزندانشان را بازتاب شایستگی خود به عنوان والد می‌دانند و با همین طرز تفکر، مسؤولیت هر عمل فرزندانشان را به عهده می‌گیرند و به این ترتیب، کودکانی بی دست و پا بار می‌آورند (۲۸). در واقع، این اسطوره که فرزندان نشانی از والدین خود هستند (این همانی)، به نوعی از رفتارهای والدگری دامن می‌زند که به طور آسیب‌زایی شکل خاصی از رشد را به فرزندان تحمیل می‌کند؛ در حالی که فرزندان، خمیر مجسمه نیستند که هر گونه بخواهیم آن‌ها را شکل دهیم و رشد آن‌ها تحت تأثیر متغیرهای درونی و بیرونی فراوانی قرار دارد. اگر بچه‌ها رفتار غلطی انجام می‌دهند، به

والدین باید به خود بگویند اشتباه کردن مختص انسان است و والدین و بچه‌ها هم انسان هستند. کودکان گاهی اوقات بد رفتاری می‌کنند و والدین هم گاهی اوقات داد و فریاد می‌کنند. این یعنی طبیعی و نرمال بودن... (۱۰).

در تبیین اسطوره‌ای بودن باور توافق همیشگی والدین (در تربیت فرزند)، نکته مهم این است که توافق والدین در تربیت و نگهداری از فرزندان بسیار مهم است، اما حصول آن همیشگی و ثابت نیست (۲۳). شیوه‌ای که والدین در تربیت فرزندان در پیش می‌گیرند، متأثر از تجربیات گذشته آن‌ها می‌باشد و این تا حدودی غیر ممکن است که در همه زمینه‌ها و تصمیمات تربیت فرزند توافق داشته باشند (۲۴). با این حال، رابطه خوب می‌تواند به والدین در دستیابی به توافق در زمینه تصمیمات مهم کمک نماید. حتی اگر والدین در اساس و پایه‌های نظریه والدگری با هم توافق داشته باشند، ممکن است در رویکردها اختلاف نظر وجود داشته باشد. حتی هم اگر در رویکردها توافق و اتفاق نظر وجود داشته باشد، شخصیت‌های متفاوت پدر و مادر، مانع از توافق کامل در جزئیات می‌شود (۲).

چربی اسطوره‌ای بودن باور به انفصال کار- خانه را می‌توان چنین پاسخ داد که رابطه بین خانواده و کار یک فرایند تکاملی تدریجی را در خود دارد. این فرایند تکاملی از استقلال کار و خانواده شروع می‌شود و به تعامل کار و خانواده می‌انجامد؛ بدین معنی که در عصر حاضر دیگر جدایی کار از خانه و خانواده امکان‌پذیر نیست و این دو در هم تنیده شده‌اند. شادمانی در خانه و در محل کار به همراه هم می‌آید. این یک حقیقت اجتناب‌ناپذیر است که ناراحتی در محل کار می‌تواند به خانه نیز سرایت کند. بنابراین، متخصصان باور به جدایی کار از خانه را در شرایط کنونی، باوری نامؤثر و غیر ممکن می‌دانند و معتقد به یکپارچگی فضای شغلی و خانوادگی هستند. بنابراین، توجه افراد باید به سمت حل یکپارچه مشکلات و دغدغه‌های این دو حوزه معطوف شود (۲۵).

در تبیین اسطوره‌ای بودن باورهای مربوط به بعد اثر (شامل اثرات پیش از ازدواج، اثرات پیش از تولد، اثرات پس از تولد- این همانی)، می‌توان گفت که این باورها نقش

سر راه فرزندان خود بردارند، علاوه بر فراگیری مدیریت مالی (۲۹)، آن‌ها برای فرزندان خود دنیایی خیالی و زندانی احساسی درست می‌کنند. چنین بچه‌هایی نمی‌توانند با چالش‌های زندگی روبه‌رو شوند (۲۲).

بعد اولویت به باورهایی اشاره دارد که در حوزه‌های فردی و خانوادگی اولویت تام را به فرزندان می‌دهد. در تبیین اسطوره‌ای بودن این باورها که در سه مضمون فرعی «ازخودگذشتگی آسیب‌زا، آرامش‌بخشی افراطی و رها کردن ازدواج» دسته‌بندی شد، می‌توان به نکاتی اشاره کرد.

والدینی که باورهای مرتبط با ازخودگذشتگی آسیب‌زا در نظام شناختی آن‌ها وجود دارد، اگر به نیازهای شخصی خود بپردازند، احساس گناه می‌کنند. آن‌ها معتقد هستند که اگر تمام توجه و تمرکز خود را به فرزندانشان معطوف نکنند، خودخواه و گناهکار خواهند بود؛ در حالی که باور صحیح و سالم می‌تواند این باشد که یک والد خوب به عنوان بخشی از والدگری مسؤولانه و مؤثر، توجه و مراقبت لازم را برای خود فراهم می‌آورد. هر شخصی نیاز دارد که خودمراقبتی را به عنوان جزء ضروری یک زندگی مؤثر به اجرا درآورد، به ویژه اگر مسؤولیت فرزندان را نیز به عهده داشته باشد (۳۰). پدر و مادر مانند هر فرد دیگری نیاز دارند که از زندگی شخصی خود لذت ببرند. از طرف دیگر، بسیار مهم است که والدین مراقب خودشان باشند و به بچه‌هایشان اجازه دهند این خودمراقبتی آن‌ها را ببینند. بچه‌ها نیاز دارند این تعادل بین مراقبت از دیگران و مراقبت از خود را یاد بگیرند. از آن‌جا که استقلال از مهم‌ترین اهداف والدین به شمار می‌آید؛ والدین باید به کودکان در انجام کارهای سختی که از پس آن برمی‌آیند، اعتماد کنند و به عنوان یک الگوی خودمراقبتی، پرداختن به نیازهای شخصی را فراموش نکنند (۳۱).

رها کردن و قرار دادن ازدواج در اولویت‌های بعدی نیز یک باور اسطوره‌ای است. بسیاری بر این باور هستند که تمام انرژی خانواده باید به سمت فرزندان معطوف شود و این چالشی است ناشی از این اسطوره «والد خوب والدی است که فرزندان را در اولویت قرار دهد تا ازدواج و همسرش». کمک به این که ازدواج سالم و باثبات باشد، در واقع کمک به بچه‌ها

معنای فقدان تعهد یا مهارت والدین نیست و حتی نشان دهنده آن نیست که بچه کمبودی دارد، بلکه نشانه‌ای از انسان بودن آن‌ها است. این اشتباهات فرزندان برای اطمینان از این که یادگیری و رشد رخ می‌دهد، لازم است و این زیبایی و جذابیت والدگری است (۱۰).

بعد مسؤولیت به مضامینی همچون «حل مشکل افراطی، درگیری تحصیلی افراطی، مراقبت و نظارت افراطی» اشاره دارد. McKay و Dinkmyer چنین والدینی را که مسؤولیت‌های افراطی و ریز و درشتی را برای خود تعریف می‌کنند، «والدین به اصطلاح خوب» نامیدند (۲۸). آن‌ها معتقد هستند که این دسته از والدین برای فرزندانشان به صورت پیش‌خدمت درمی‌آیند و می‌خواهند به همه رفتارهای کودک نظارت داشته باشند. در واقع، رفتار این والدین اعتماد به نفس و استقلال فرزندان را از بین می‌برد. والدین به اصطلاح خوب به فرزندانشان فرصت نمی‌دهند که مفهوم احترام متقابل را بیاموزند. آنان اگر به کنترل بیشتر، صدور حکم و مواظبت یا دلسوزی زیاد بپردازند، احترام فرزندانشان را متزلزل کرده و اگر خود را خاک زیر پای فرزندانشان کنند، احترام خویش را از دست داده‌اند. در هر دو حالت، این والدین از آموزش فرزندان برای احترام گذاشتن به حقوق دیگران غفلت کرده‌اند.

امروزه اسطوره درگیری بیش از حد در امور تحصیلی فرزندان، شیوع بالایی پیدا کرده است. همه والدین به دنبال آن هستند تا فرزندان تیز و هوشمند داشته باشند. موفقیت تحصیلی به بزرگ‌ترین آرزوی والدین و بچه‌ها تبدیل شده است. در جامعه ما کتاب‌ها و وسایل کمک آموزشی بسیاری با موضوع تربیت فرزند هوشمند برای والدین به بازار عرضه می‌شود که حاکی از فراگیری و نفوذ این اسطوره در میان والدین است. این نوع جهت‌گیری به سمت موفقیت تحصیلی؛ یعنی خداحافظی با هنر، موسیقی و سایر استعدادهای بشری و پرداختن صرف به تکالیف و تمرینات درسی. واقعیت این است که یادگیری نوعی فرایند خودبه‌خودی می‌شود، اگر بچه‌ها علاقمند و شیفته آن باشند و فقط به مواد درسی محدود نمی‌شود. نکته دیگر این که وقتی والدین سعی می‌کنند تمامی موانع از جمله موانع مالی را از

شرط این که به موقع و به‌جا استفاده گردد. والدینی در امر تربیت فرزندان موفق هستند که خزانه غنی از روش‌های تربیتی در اختیار داشته باشند و به موقع از روش‌های تربیتی مختلف استفاده نمایند. البته خود تنبیه نیز درجاتی دارد (از محروم‌سازی تا تنبیه بدنی) و متناسب با رفتار کودک باید اعمال شود (۳۶). عاشق فرزند بودن و محبت به او ساده است، اما بزرگ کردن و تربیت او کار سختی است. مهارت‌های والدگری مؤثر، آموختنی هستند. تربیت فرزند کاری پیچیده، سخت و در حال تغییر (مداوم) می‌باشد. بنابراین، والدین مؤثر نیاز به دانش و مهارت‌هایی دارند و به ندرت شخصی پیدا می‌شود که به طور ذاتی از این مهارت‌ها برخوردار باشد (۳۷).

نتیجه‌گیری

والدین تا قبل از بروز پدیده فرزندسالاری به فرزندان خود ایمان داشتند و بر این باور بودند که آن‌ها برای این که به خوبی رشد کنند، به مداخله اندکی نیاز دارند. آن‌ها بچه‌ها را قدرتمند و توانا می‌دیدند و آگاه بودند که آن‌ها می‌توانند زندگی خویش را مدیریت کنند. از آن‌ها انتظار می‌رفت خود را با شرایط سازگار کنند و برای ارضای نیازهای خویش اقدام نمایند. شواهد نشان می‌دهد که امروزه والدگری مملو از نگرانی و اضطراب، تنش و فشارهای روزافزون است (۲).

نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان داد که در نظام شناختی والدین کرمانشاهی، یک والد اسطوره‌ای وجود دارد که هیچ‌گاه خطا و اشتباهی از او سر نمی‌زند، خسته و عصبی نمی‌شود، همیشه بانشاط و پرانرژی است، هیچ‌گاه مسایل کار و خانواده را در هم نمی‌آمیزد، سعی می‌کند همه مشکلات فرزندان را حل کند و تمام وجود خود را برای فرزندان فدا می‌کند و ارزش شخص آن‌ها به رفتار فرزندان گره خورده است. چنین والدی به طور قطع نمی‌تواند در عالم واقع وجود داشته باشد و والدین هم هیچ‌گاه نخواهند توانست خود را با چنین تصویری منطبق نمایند. در نتیجه، والدین با وجود اسطوره‌ها هیچ‌گاه احساس موفقیت و کارایی نخواهند کرد و استرس و تنش فراگیر به دلیل تلاش برای رسیدن به

است تا از والدینی پرانرژی و سالم برخوردار باشند و زندگی خانوادگی باکیفیتی را تجربه نمایند (۳۰). والدی که فقط بر بچه‌هایش تمرکز دارد و همواره نیازهای ازدواج و همسرش را در وهله بعد قرار می‌دهد، در واقع فاقد درک کلی از زندگی خانوادگی است و فقط بخش کوچکی از آن را می‌بیند. فرزندان خانواده وقتی با یک ازدواج محکم میان پدر و مادرشان روبه‌رو شوند، احساس آرامش بیشتری دارند (۲۲). از طرف دیگر، متخصصان معتقد هستند که خانواده‌های فرزندسالار، نه فرزندان خوبی تربیت می‌کنند و نه خودشان از زندگی زناشویی خوبی برخوردار می‌گردند؛ به این دلیل که حد و مرزهای داخل خانواده مغشوش شده، زندگی زناشویی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و مختل می‌کند (۳۲-۲۲).

بعد ارتباط نیز شامل سه مضمون فرعی «بی‌مرزی - دوستی (با فرزند)، نفی تنبیه و کفایت محبت» بود. نظریه‌پردازان خانواده و از جمله آن‌ها Minuchin بیان کرد که در یک خانواده سالم، باید حد و مرزی میان پدر و مادر و فرزندان آن‌ها وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، در حالی که پدر و مادر و فرزندان آن‌ها به شکلی در یک رابطه صمیمانه هستند، در ضمن از یکدیگر مجزا هستند. هرچند این مجزا بودن باید در حد تناسب باشد (۳۳). در یک خانواده سالم، همیشه کسی مسؤول است و سلسله مراتبی از قدرت در آن جریان دارد. وقتی این حد و مرز از بین می‌رود، اختلال هیجانی و عاطفی جای آن را می‌گیرد. نکته مهمی که می‌توان به آن اشاره کرد، این است که در بسیاری از مواقع نزدیکی و بی‌مرزی فرزند با یکی از والدین، به جدایی و فاصله والد دیگر از همسرش منجر می‌شود و در صورتی که این وضعیت ادامه پیدا کند، زیرمنظومه زن و شوهری که اساس و ثبات‌بخش زندگی خانوادگی است، مختل خواهد شد (۳۲).

متأسفانه یکی از اسطوره‌هایی که رسانه‌ها در ایجاد آن نقش اساسی دارند، گفتگوی صرف با فرزندان و ممنوعیت تنبیه (Punishment) است. تنبیه به همراه جبران (Restitution)، جریمه (Response-cost) و محروم‌سازی (Timeout)، از جمله مهم‌ترین شیوه‌های تربیتی برای کاهش و یا از بین بردن بدرفتاری‌های کودک است (۳۴، ۳۵) به

خواهد کرد. واضح است که والدین سالم می‌توانند فرزندان سالمی پرورش دهند. بنابراین، تعدیل اسطوره‌های ذهنی افراد درباره والدگری و جایگزینی باورهای سالم و معقول می‌تواند از بروز مشکلات متعددی که پیش‌تر ذکر شد، جلوگیری نماید.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از کلیه مشارکت‌کنندگانی که در انجام این پژوهش همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

انتظارات ناشی از اسطوره‌های والدگری همراه آن‌ها خواهد بود. از طرف دیگر، متخصصان تأیید می‌کنند که افزایش استرس و همراه آن کاهش احساس کارایی لازم در والدگری، با بروز مشکلات رفتاری فرزندان و عدم رضایتمندی زناشویی رابطه دارد (۳۸). مشکلات رفتاری فرزندان و مشکلات ارتباطی والدین، استرس والدگری را افزایش می‌دهد؛ به طوری که با ایجاد چرخه‌ای مشکل‌زاه، کارکرد خانواده را مختل می‌کند و علایم روان‌شناختی خاصی همچون افسردگی را برای والدین ایجاد

References

1. Auslander GK, Netzer D, Arad I. Parental anxiety following discharge from hospital of their very low birth weight infants. *Family Relations* 2003; 52(1): 12-21.
2. Schafer A. *Breaking the good mom myth: Every modern mom's guide to getting past perfection regaining sanity, and raising great kids*. Toronto, ON: John Wiley and Sons Canada, Ltd; 2007.
3. Kazazi MJ. *Dream, epic, myth (mythology)*. Tehran, Iran. Marakaz Publications; 2014. [In Persian].
4. Mehrvar Z. What is myth? What is epic? *Roshde- Moallem*; 1999; 136: 15-7. [In Persian].
5. Larson JH. The marriage quiz: College students' beliefs in selected myths about marriage. *Family Relations* 1988; 37(1): 3-11.
6. Nazari AM. *Introduction of marital and family therapy*. Tehran, Iran: Elm Publications; 2009. [In Persian].
7. Parrott L, Parrott L. *Saving your marriage before it starts*. Grand Rapids, MI: Zondervan; 2006.
8. Bastide R. *La mythologie*. Trans. Satari J. 1st ed. Tehran, Iran; Toos Publications; 1991. [In Persian].
9. Coupe L. *Myth*. Trans. Dehghani M. Tehran, Iran. Elmi-Farhangi Publications; 2005. [In Persian].
10. Pantley E. *The no-cry discipline solution*. New York, NY: McGraw-Hill Education; 2007.
11. Herren C, In-Albon T, Schneider S. Beliefs regarding child anxiety and parenting competence in parents of children with separation anxiety disorder. *J Behav Ther Exp Psychiatry* 2013; 44(1): 53-60.
12. Petrogiannis K, Papadopoulou K, Papoudi D. Measuring parental beliefs about the developmental significance of preschool children's daily activities: the children's daily activities-parental beliefs scale. *Journal of Educational and Developmental Psychology* 2013; 3(2): 40-55.
13. Vander Ploeg KA, Maximova K, Kuhle S, Simen-Kapeu A, Veugelers PJ. The importance of parental beliefs and support for physical activity and body weights of children: a population-based analysis. *Can J Public Health* 2012; 103(4): e277-e281.
14. Creswell JW. *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Trans. Hasangholipur T, Allahyari A, Barari M. Tehran, Iran: Negahe Danesh Publications; 2012. [In Persian].
15. Iman MT. *Qualitative research methodology*. Tehran, Iran: Research Institute of Hawzah and University; 2014. [In Persian].
16. Ranjbar H, Haghdoost A, Salsali M, Khoshdel A, Soleimani M, Bahrami N. Sampling in qualitative research: A guide for beginning. *Ann Mil Health Sci Res* 2012; 10(3): 238-50. [In Persian].
17. Flick U. *An introduction to qualitative, research*. Trans. Jalili H. Tehran, Iran: Ney Publications; 2009. [In Persian].
18. Hooman HA. *The guide to qualitative research*. Tehran, Iran: Samt Publicatins; 2010. [In Persian].
19. Wojnar DM, Swanson KM. Phenomenology: an exploration. *J Holist Nurs* 2007; 25(3): 172-80.
20. Weyand, C. *Parenting a child with behavior problems: Dimensions of religiousness that influence parental stress and sense of competence*. [Thesis]. Terre Haute, IN: Indiana State University; 2010.
21. Clifford-Poston A. *The Secrets of Successful Parenting: Understand what your child's behavior is really telling you*. Oxford, UK: Pathways; 2001.
22. Friel JC, Friel LD. The 7 worst things parents do. Trans. Gharchedaghi M. Zehnaviz Publications; 2010. [In Persian].
23. Lyster ME, Zimmelman ML. *Building a parenting agreement that works: how to put your kids first when your*

- marriage doesn't last. Berkeley, CA: Nolo Publishing Company; 2005.
24. Juffer F, Bakermans-Kranenburg MJ, van Ijzendoorn MH. Promoting positive parenting: An attachment-based intervention. New York, NY: Lawrence Erlbaum; 2008.
 25. Zunker VG. Career counseling: A holistic approach. 7th ed. Pacific Grove, CA: Brooks Cole; 2006.
 26. Coussons-Read ME. Effects of prenatal stress on pregnancy and human development: mechanisms and pathways. *Obstet Med* 2013; 6(2): 52-7.
 27. Shahhosseini Z, Abedian K, Azimi H. Role of Anxiety during pregnancy in preterm delivery. *J Zanzan Univ Med Sci* 2008; 16(63): 85-92. [In Persian].
 28. Dinkmyer DC, Mckay GD. The parents guide step/teen systemic training for effective parenting of teens. Trans. Raiesdana M. 3rd ed. Tehran, Iran: Roshd Publications; 2010. [In Persian].
 29. Douglas A, Lewin E. Family finance: The essential guide for parents. New York, NY: Kaplan Publishing; 2001.
 30. Borba M. The big book of parenting solutions: 101 answers to your everyday challenges and wildest worries. 1st ed. San Francisco, CA: Jossey-Bass; 2009.
 31. Domar A, Kelly AL. Be happy without being perfect: How to break free from the perfection deception. New York, NY: Crown; 2008.
 32. Mohamadi A, Sadeghi Z. The impact of child heading on family relationships in Shiraz City. *Journal of Woman and Study of Family* 2009; 2(5): 131-53. [In Persian].
 33. Minuchin S. Family and family therapy. Trans. Sanaei B. Tehran, Iran: Amir Kabir Publications; 2004. [In Persian].
 34. Hergenhan BR, Olson MH. An introduction to theories of learning. Trans. Saif AA. Tehran, Iran: Doran Publications; 2006. [In Persian].
 35. Saif AA. Change behavior and behavior therapy: Theories and methods. Tehran, Iran. Doran Publications; 2007. [In Persian].
 36. Spiegler MD, Guevremont DC. Contemporary behavior therapy. Boston, MA: Wadsworth Publishing; 2009.
 37. Pruett K, Pruett M. Partnership parenting: How men and women parent differently--why it helps your kids and can strengthen your marriage. Philadelphia, PA: Da Capo Lifelong Books; 2009.
 38. Kim J. Patterns of parent-child relationship quality, parent depression and adolescent development outcomes [PhD Dissertation]. Seattle, WA: University of Washington; 2011.

Identifying Parenting Myths in the Sociocultural Context of Kermanshah Province, Iran: A Qualitative Study

Mohammad Sajjad Seydi¹, Ali Mohammad Nazari², Jafar Hasani³

Original Article

Abstract

Introduction: The aim of the present study was the identification and extraction of parenting myths in the sociocultural context of Kermanshah Province, Iran.

Method: This qualitative research was conducted through the phenomenological approach. Therefore, 15 parents were selected through purposive sampling method. Data were collected through in-depth interviews.

Results: The data analysis and coding led to 5 original themes of trait, effect, responsibility, relationship, and priority and 17 sub-themes in parent's cognition system.

Conclusion: Parenting myths are the criteria for parents' performance. Thus, parents experience stressful parenting because they cannot fulfill these criteria.

Keywords: Myth, Parenting myths, Iran

Citation: Seydi MS, Nazari AM, Hasani J. **Identifying Parenting Myths in the Sociocultural Context of Kermanshah Province, Iran: A Qualitative Study.** J Qual Res Health Sci 2016; 5(2): 188-201.

Received date: 10.01.2016

Accept date: 02.05.2016

1- Assistant Professor, Department of Counseling, School of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran

2- Associate Professor, Department of Psychiatry, School of Medicine, Shahrud University of Medical Sciences, Shahrud, Iran

3- Associate Professor, Department of Clinical Psychology, School of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

Corresponding Author: Mohamad Sajjad Seydi, Email: sey110@hotmail.com